

متن پرسش

سلام خدمت استاد عزیز: متاسفانه یا خوشبختانه بنده با سن بسیار کمی که دارم با آثار ابن عربی و قونوی آشنا شدم. متاسفانه یا خوشبختانه متوجه می‌شم که قونوی و ابن عربی چه می‌گن. خوشبختانه یا متاسفانه نه تنها برام سنگین بلکه شوق من رو برای طلب خدا بیشتر میکنه. بنده بارها که مزاحم شما شدم فرمودید خودشناسی کار کنید بنده از کتاب جوان و انتخاب بزرگ تا آشتی با خدا را مطالعه که کردم یک چیزی متوجه شدم خودشناسی یعنی خودفراموشی یا فناء. از نظر بنده مهم تر از تجرد نفس ارتباط خود با خداست که معلوم میکنه نسبت خود با خدا مثل سایه و صاحب سایه هست. الان چیزی که برای من سوال شده که نکنه سیر و سلوک در سن من خطرناک باشه و وقتش در ۸۰ سالگی باشه. هر چه طلب معرفت کردیم فهمیدم که من دچار مفهوم ذهنی خشک خدا شدم و درگیر ذات خدا هستم که آرامش ندارم. وقتی که حسین آینه خدا نما رو دیدم متوجه شدم یک نسبت حسین که با وجه تاریخی من و امثال من می‌شناسند حقیقتش نسبتش با خدا نسبت سایه و صاحب سایه هست در واقع حسین (ع) نبود که با یزید بیعت نکرد خدا بود. حسین نبود که شمشیر کشید. خدا بود حسین نبود که آن سخنان تن لرزان را می‌گفتند در واقع خداست. گوینده خداست. شنونده خداست. بیننده خداست. فاعل حقیقی خداست. دو حسین یک نوری از حقیقت محمدیه است که آینه تمام نمای خداست من خدا را در حسین می‌بینم. اما ترس بنده اینکه دارم راه اشتباه میرم و این مباحث مال ۸۰ و ۹۰ سالگی هست نه ۱۵ سالگی.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! این انوار اسمای حسنی خداوند است که در شخصیت اولیای الهی به ظهور می‌آید و این غیر از ذات خداوند است که قابل فکر و قابل رؤیت نیست. اگر انسان با خداوند از طریق مظاهر اسمای الهی مأنوس شود، هر اندازه جلو و جلوتر رود بیشتر با حضرت معبود و حضرت محبوب مأنوس می‌شود. موفق باشید